

عوامل و مراحل ترجمه محمدعلی مختاری اردکانی

اشاره: آنچه که در زیر می‌خوانید ترجمه قسمتی از مقاله بوریس هلبک Boris Hlebec است به نام «عوامل و مراحل ترجمه»^(۱) که در مجله Babel سال ۳۵ شماره ۳، صفحات ۱۴۱-۱۲۹ به چاپ رسیده است.

در این گفتار، هلبک تعریف جدیدی از ترجمه مطرح می‌کند و ترجمه را دارای دو خصیصه مجزا می‌شناسد یکی آفرینش دوباره و دیگری تغییر مقاله، در اصل، بسط نظریه جیری لوی Jiri Levy می‌باشد که به باور او «ترجمه، فرایند تصمیم‌گیری است». در این مقاله، اصطلاحات Verbal «واژگانی» (و نه «زبانی» یا «شفاهی») (Vocal آوایی) (و نه «گفتاری» یا «واکه‌ای») اندکی با معانی متداول خود در زیانشناسی توفیر دارند و واژه Intention را «مفاد» به معنی «کل مفاهیم افاده شده در متن حتی سبک» اصطلاح کرده‌ایم.

چون شاهد مثال مقاله از زبان صربو کروآتی بود از ترجمه آن صرف‌نظر گردید.

بوریس هلبک استاد بخش انگلیسی دانشگاه بلگراد است و عضو انجمن زبانشناسان اروپا، کمیته برگزار کننده دوازدهمین کنگره جهانی FIT (فدراسیون بین-المللی ترجمه). قصه‌های کنتربوری Canturbury و نمایشنامه Everyman را به صربوکروآتی ترجمه کرده است. در تألیف یک فرهنگ زبانشناسی و آواشناسی مشارکت داشته و مقالاتی درباره زبانشناسی در مطبوعات جهان و یوگسلاوی منتشر ساخته است.

از بوریس هلبک Boris Hlebec

این مقاله شامل لبّ نظریه کلی ترجمه است که اساس آن بر شمردن عواملی است که به ترجمه موفق منجر می‌شود. (اطلاق آن به ترجمه ماشینی منتفی نیست اما جهت احتوا بر این زمینه کوششی بعمل نیامده است در صورتیکه ترجمه شفاهی مطمح نظر بوده است.)

تعریف‌های پیشین ترجمه ناقص است (دقیق نیست). ترجمه، معمولاً فرایند و نتیجه پوشاندن معنی واحد در کسوت واژگان زبان دیگر است. اما، به علت محدودیت‌های زبان مقصد یا تغییرات عمدی که به خاطر مخاطبین ترجمه به عمل می‌آید. اغلب تا حدی افت معنایی حاصل می‌شود. آیامی توان چنین متونی را ترجمه دانست یا باید آنها را شبه ترجمه خواند. اگر وفاداری به اصل، حائز اهمیت نباشد چگونه باید بین ترجمه، اقتباس، دگرنویسی paraphrase و یک متن کاملاً متفاوت تمایز قائل شد؟

یکی از راه‌های حلّ این معضل شاید تعریف مجدد ذیل از ترجمه به عنوان فرآیند خلق متن ترجمه شده باشد که دو خصیصه دارد: آفرینش مجدد و تغییر. آفرینش ترجماتی کدگذاری مجدد است بطوریکه مفاد کد code مبدأ درکد مقصد ایجاد شود.

تغییر ترجمانی فرایندی است که بوسیله آن مفاد متن اصلی تغییر می‌یابد و ملازم خلاقیت مجدد درون همان متن است.

با تفکیکِ اکید آفرینش مجدد و تغییر (گرچه در عمل اینکار مشکل است) وسیله‌ای برای بررسی دقیق‌تر فرآیند ترجمه در دست داریم. اولاً، از این تناقض ترجمه‌رهایی می‌یابیم که در آن چیزی ترجمه نشده، باقی می‌ماند. در عوض با وضع عادی یک متن ترجمه شده روبرو می‌شویم که در آن همه چیز باز آفرینی می‌شود. اغلب تغییری در پیام اصلی حاصل می‌شود، در صورتی که قسمت اعظم آن باز آفرینی می‌شود بطوری که ما می‌توانیم از ترجمه واقعی صحبت کنیم. هر چقدر باز آفرینی در متنی بیشتر باشد بیشتر در خور نام ترجمه است و برعکس. این امر بستگی به سنت‌ها، انتظارات و سایر مقتضیات دارد که قبل از اینکه متن زبان مقصد را اقتباس تلقی کنیم، آیا می‌توان تغییراتی را متحمل شد یا تا چه حد می‌توان تغییر را پذیرفت.

گرچه زبان وسیله اصلی ارتباط است، حذف کدها codes و مفاد intention غیر زبانی از مفهوم ترجمه قابل توجه نیست. در واقع، اگر بنا باشد تمام انواع ترجمه را در نظر داشته باشیم (نظیر ترجمه شفاهی، ترجمه فیلم، کارتون comics، تئاتر و نمایشنامه‌های تلویزیونی، شعر سمبلیک بصری و غیره) ضروری است که مفاد و کدهای غیر زبانی را از قلم نیندازیم. این دیدگاه، ترجمه را در دورنمایی نشانه‌شناختی قرار می‌دهد (قس Popovic 1980:13 ; Bassnett-Mc Guire 1975:6 ; Ludskanov 1984:130)

مفهوم مفاد مفهومی حیاتی است. مفاد معنی‌کدگذاری شده در متنی خاص است (قس 203-220 , 147-149 :Thurner 1973). مفاد اصطلاحی فنی است که نباید آنرا با مفهوم خصوصی مؤلف اشتباه کرد. خلاصه، مفاد آن چیز است که فرستنده پیام در واقع می‌گوید یا می‌رساند و آنطور که توسط دریافت‌کننده آگاه پیام کدگذاری شده تکرار

می‌گردد. (Lyons 1981:23; Palmer 1981: 41)

مفاد را می‌توان بر حسب انواعی طبقه‌بندی کرد که به عملکردهای ارتباطی communication function مشهورند (قس 1980:26 Komissarov). این نقش‌ها عبارتند از دآلی referential بیانی expressive امری directive استیناسی contact، شاعرانه زیبا شناختی، فرازبانی metalinguistic جادویی و انجامی per ornative (Malinowski 1923, Bühler 1934, Jakobson 1960)

سبک را می‌توان زیر طبقه عملکرد بیانی قلمداد کرد و بدین طریق به وجود مفاد سبکی اذعان کرد.

همانطور که لوی Levy به حق اظهار کرده [...] ترجمه یک فرایند تصمیم‌گیری است: یک سلسله موقعیت‌های متوالی معین است - مثل حرکات در بازی - موقعیت‌هایی که بر مترجم، انتخاب و شقی را از میان شقوق معین (و اغلب قابل تعریف) تحمیل می‌کنند. (Levy 1967: 1171) پیدا کردن این شقوق و حرکات برای تئوری ترجمه حائز کمال اهمیت است. مراحل را در اینجا پیشنهاد می‌کنیم که مترجم باید (خودآگاه یا ناخودآگاه) در روند ترجمه اتخاذ کند. در ضمن این مراحل تا حدی با عوامل ترجمه تداخل دارند مثل:

- ۱- (به فعل درآوردن) اطلاعات لازم جهت تفسیر متن اصلی
- ۲- تلقی مترجم از مخاطب ترجمه
- ۳- انتخاب کد code
- ۴- تفسیر متن اصلی
- ۵- تصمیم در مورد یا آگهی از حضور یا عدم حضور متن اصلی
- ۶- تلقی مترجم نسبت به متن مداه
- ۷- تلقی مترجم نسبت به شکل کد ترجمه

۸- تصمیم مترجم نسبت به درجه تحت اللفظی بودن ترجمه

۹- تصمیم در مورد مفاد

۱۰- تصمیم در مورد روش انتقال مفاد اصلی

۱۱- (به فعل درآوردن) اطلاعات لازم جهت کد بندی مجدد

کدگذاری (یا فرایند ترجمه به مفهوم محدود) به دنبال حالات و مراحل فوق الذکر می آید و این امر موفق نخواهد بود مگر اینکه آنها به فعل درآیند.

۱- اطلاعات لازم جهت تفسیر متن اصلی: حالت روانشناختی در حافظه مترجم است که تا حدی شبیه حافظه کامپیوتر می باشد. آن نه تنها شامل اطلاع از زبانهای مبداء و مقصد و سایر کدهاست بلکه زمینه های گوناگونی را در بر می گیرد که مترجم در آن زمینه ها حسب نوع متون زبان مبداء و مقصد دارای اطلاعاتی است: نظیر اهلیت متنی و ادبی، آشنایی با دانسته های برون زبانی extralinguistic (دایرة المعارفی، فرهنگی و فنی) و بین متنی intertextuality یعنی اطلاع از متون دیگر (Culler 1975:139) اگر بخواهیم دقیق صحبت کنیم اطلاع از کد صرفا امکان تفسیر آن قسمت هایی از متن زبانی یا پیامهای دیگر را فراهم می آورد که شکلی ملموس و مشهود داشته باشد. سایر اطلاعاتی که مبادله می شوند چون بین اعضا یک جامعه مشترکند و مستقل از کد و متن حاضر، قابل شناخت می باشند.

این عامل وقتی به منظور ترجمه به فعل درآید یک واقعه روانشناختی می شود و اولین قدم است در ترجمه.

۲- البته تلقی مترجم نسبت به مخاطب ترجمه: باید در اول بلا اول در فرآیند ترجمه اتخاذ شود.

خواننده / شنونده واقعی یا فرضی ترجمه دارای اطلاعات، تجربه، تمایل، ذوق، توانایی و انتظاراتی است. سن معینی دارد و به (قشر) اجتماع خاصی تعلق دارد. همان طور که در مورد ارسال هر نوع پیامی عمل می‌شود، این مقتضیات هم باید کمابیش توسط فرستنده پیام ملحوظ نظر قرار گیرد. موقعیت هر ترجمه بستگی به عکس العمل گروه مقصد دارد (Uvarov 1981:15) و مترجم باید نیازهای مخاطبین ذیصلاح را چه متن ادبی باشد چه علمی، برآورد.

اگر پژوهش ویژه‌ای را جهت بررسی عکس‌العمل خواننده / شنونده و برآورده شدن انتظارات او به عمل بیاوریم، بسیار نافع خواهد بود، و برای ترجمه‌های بعدی همان متن یا متون مشابه راهنمای مفیدی خواهد شد.

۳- انتخاب کد: یعنی اتخاذ تصمیم در مورد زبان خاص یا هر نوع کد دیگر مورد استفاده، عاملی در ترجمه است، زیرا ممکن است منجر به آسانی، مشکلی یا حتی ترجمه ناپذیری مفاد اصلی شود. مثلاً ایهام برای غزل شماره ۸۷ شکسپیر لازم است که در آن صفت *deare* (گرانقدر) در آن واحد هم معنی «محبوب» و هم معنی «گرانقیمت» می‌دهد. (Steiner 1975-383) وقتی ترجمه می‌کنیم اگر زبان مقصد فاقد واژه‌ای باشد که هر دو معنی را بدهد حفظ این صنعت شاعرانه در ترجمه غیرممکن است.

ضروری است که بین کدهای واژگانی (لفوی) *verbal* آوایی (صوتی) *vocal* و خطی *graphological* تمایز قائل شد. کد آوایی شامل آهنگ *intonation* گونه کاربرد صد *voice register* طنین *colour* زیر و بمی *pitch* شدت *intensity* سرعت محاوره *rate (tempo)* و غیره می‌شود. کد خطی از حروف گوناگون و نحوه دسته بندی آن‌ها به صورت واحدهایی بهره می‌جوید. صرفاً جزء واژگانی یک پاره گفتار *utterance* همواره در حین تغییر واسطه *medium*، انتقال‌پذیر است، یعنی اصولاً ساختمان آن با

تبدیل گفته به نوشته ثابت می‌ماند. (Lyons 1981:26)

انتقال مفاد کد خطی graphological از طریق ترکیب کدهای واژگانی و آوایی یعنی تبدیل واسطه کتبی به شفاهی اغلب غیرممکن است. مثلاً انتقال شکل خطی یک شعر که به صورت باران یا دم اسب است بطور واژگانی یا آوایی امکان‌ناپذیر است. (قس 1974:41 Chapman)

از طرف دیگر، معنی حروف بزرگ و نیمه بزرگ capitals & small capitals، فاصله‌گذاری، حروف خوابیده، حروف سیاه، برجسته، bold letters و از این قبیل در کلام، کاملاً قابل انتقال نیستند. بنگرید به تفاوتهای احتمالی مقاله‌ای که در یک کنفرانس خوانده می‌شود و همان مقاله وقتی چاپ شده باشد. ما معمولاً چنین تغییر واسطه‌ای را تشکیل دهنده ترجمه نمی‌دانیم بدین دلیل که مهمترین کد - کد واژگانی - در این تغییرات دست‌ناخورده می‌ماند. اما باید توجه کنیم که در همچو مواقعی کد خطی از طریق کد آوایی بطور درون زبانی intralinguistically ترجمه می‌گردد و بالعکس.

۴- تفسیر متن اصلی: به مفهوم فنی‌اش، به معنی برداشت یک دریافت‌کننده ذیصلاح از مفاد پیام و استنباط او از آن می‌باشد. تفسیر متن معنی متن است وقتی که از حالت کد درآمده باشد و بایستی مطلوباً با مفاد بخواند.

برخی نویسندگان بر نقش مترجم بعنوان مفسر در رابطه با، متون ادبی تأکید کرده‌اند (قس 1979:178 Popovic) اما در مورد سایر متون هم این نکته به همان اندازه حائز اهمیت است. تفسیر بستگی دارد به دانستن زبان و اطلاع از زمینه فرهنگی و وقایع در اجتماعی که متنی از آن نشأت گرفته است. آموختن اطلاعات جدید در مورد متنی قدیمی و قراردادن آن در دور‌نمایی جدید بر تفسیر آن تأثیر می‌گذارد (Ltoman 1978:50 Jauss 1970:130-140) تفسیر به مفهوم شناخت جاهای حساس یک متن

است که در فرآیند باز آفرینی توجه خاص می‌طلبد. وقتی متن ادبی یافتی را ترجمه می‌کنیم، تفسیر زبانی، یعنی دانستن و تسلط بر آن زبان از ضروریات است در بعضی موارد این بضاعت صرفاً به طور تصادفی منجر به ترجمه قابل قبول می‌شود. اما اغلب باید ترجمه را با تفسیری که متکی به صلاحیت ادبی و احاطه بر پدیده‌ها و موضوعات متن است به کمال رساند.

۵- تصمیم‌گیری در مورد، یا آگاهی از وجود یا عدم وجود متن اصلی: نوعاً اصل و ترجمه از لحاظ زمان و مکان از هم جدا هستند مع‌ذک در بعضی موارد جمع کامل یا نسبی آنها میسر است. مثل ترجمه متوالی، دوبلاژ و زیرنویس فیلم و نمایشنامه و کارتون و غیره در چنین مواردی خواننده یا شنونده می‌تواند قسمتی از پیام اصلی از جمله پیام غیر واژگانی را مستقیماً در شکل اصلی خود ملاحظه کند. این امر ممکن است بر نحوه ترجمه اثر بگذارد.

مثلاً، در متون موازی، اصل شعر ممکن است در یک صفحه چاپ شود، به‌مراه ترجمه آن در صفحه مقابل تا خواننده با اطلاع ناقص یا قابل قبولی از زبان مبدا بتواند از آن استفاده کند. بعضی از خصائص صوری شعر (قالب تعداد مصاربع، قافیه و غیره) احیاناً از اصل شعر مشهود است. این قضیه ممکن است باعث شود که مترجم از انتقال پاره‌ای از ویژگی‌ها صرف‌نظر کند. مترجم فیلم ملزم نیست که تمام اصوات و تعارفات را ترجمه کند چون اغلب از نوار صدای اصلی فیلم پیداست.

از طرف دیگر ممکن است که بعضی از حرکات و سکانات در فرهنگ مقصد (گیرنده) معنی دیگری داشته باشد یا اصلاً بی‌معنی باشد. این مسأله باعث می‌شود که مترجم اختلاف حاصل را با استفاده از زبان جبران نماید و مفهوم افاده شده را انتقال دهد. از اینرو تصمیم‌گیری در مورد، یا آگاهی از - در صورتی که مترجم در وضعی نباشد

که بتواند تصمیم گیری کند- وجود یا عدم وجود اصل در کنار ترجمه یکی از عواملی است که بر فرآیند یا رویکرد ترجمه تأثیر می‌گذارد.

۶- تلقی مترجم نسبت به متن اصلی: را می‌توان بین دو حد extreme متعهدانه principled و مصلحت‌گرا pragmatic طبقه بندی کرد. در شق اول، مترجم می‌خواهد که تمام ویژگی‌های مهم متن اصلی را به اطلاع مخاطب خود برساند، و حال آنکه در شق ثانی (دوم) مترجم قصد دارد چون متنی مستقل عمل کند. اصطلاح pragmatic را نباید با کارکردهای دیگرش اشتباه کرد. آن دال بر فعالیت ذهنی مترجم است و مبتنی بر دیدگاه او در مورد عملکردها و مفاد متن اصلی.

همچنین دیدگاه مترجم هم نسبت به عملکردهای خاص ارتباطی به عنوان لایه‌های گوناگون متن یا آزاد است یا مقید و نمایانگر درجات ظریفی در طیف ترجمه متعهدانه - مصلحت‌گرایانه. مثلاً اگر ترجمه قانون اساسی کشوری بخواهد تمام عملکردها و مفاد ملموس آن را- امری، دالی، اجرایی و سبکی حفظ کند فوق العاده متعهدانه و وفادارانه خواهد بود. چنین ترجمه‌ای برای خوانندگانی مناسب است که بخواهند جزئیات متن اصلی را بدانند. ترجمه آزادتری فقط پاره‌ای از نقش‌های اصلی، و نه همه را به مثابه پارامترها، بسته به علائق مخاطب مورد نظر، دست ناخورده خواهد گذاشت. یک ترجمه مصلحت‌گرا ممکن است قانون اساسی یک کشور خارجی را به قانون اساسی نظام سیاسی خود خواننده بدل نماید و ترجمه بودن متن را ذکر کند یا نکند.

یک آگهی تبلیغاتی را می‌توان این گونه ترجمه کرد- با هدف دادن یک تصویر واقعی از اصل ترجمه به خواننده. این ترجمه ترجمه‌ای متعهدانه خواهد بود. اما همچنین می‌توان جایگزینی را برای آگهی تبلیغاتی اصلی در کشور دیگری پیدا کرد و

نقش اصلی آنرا نگاهداشت اگر ترجمه تحت اللفظی این نیاز را برآورده ضرورتی ندارد که قالب یا صور خیال اصلی را تغییر داد. اما اگر همچو ترجمه‌ای نارسا بود، ترجمه آزادتری ضرورت پیدا می‌کند. در ترجمه‌های مصلحت‌گرا، ترجمه آزاد، اقتباس و دگرنویسی بیشتر پیدا می‌شود، اما در اینجا، ترجمه تحت اللفظی را نمی‌توان مادام که بشود آنرا به عنوان متنی کاملاً مستقل از متن اصلی خواند / شنید متفی دانست گرچه وقوع آن کمتر محتمل است.

هر چه نقش‌های کمتری در متن اصلی باشد، انجام ترجمه کاملاً و فادرا نه آسانتر است.

همچنین ترجمه هیئست (معمولاً از نوع ادبی) که رسیدن به هر دو هدف را وجهه همت قرار می‌دهد: آشنا کردن مخاطب با متن اصلی و تلقی متن ترجمه شده به عنوان متنی اصیل و مستقل

۷- تلقی مترجم نسبت به شکل کد ترجمه. نقش اصلی شکل کد در ارتباطات، تدارک مواد محسوس لازم جهت دریافت ذهن و حواس دریافت کننده است. اما در بعضی موارد شکل کد مطمح نظر است مثلاً وقتی نمایشنامه‌ای جهت اجرا ترجمه می‌شود، مترجم باید گفتنی و شنیدنی بودن کلماتی را که بر زبان جاری می‌شود مد نظر قرار دهد. در اینجا مترجم ممکن است کاربرد جملات کوتاه‌تر و مرکب را ارجح بداند (قس Levi1982:166). مترجم اپرا، یا شعری که باید به آواز درآید بایستی قبای شکل کد را به قامت ملودی بدوزد.

برخورد فعال مترجم با شکل کد در این موارد و موارد مشابه ممکن است حتی بر نیت مترجم تأثیر بگذارد زیرا گاهی باید قصد مترجم تغییر باید تا مقتضیات شکل کد را برتابد. از اینجا است که عامل دیگری رخ می‌نماید. و آن عامل تلقی مترجم نسبت به

شکل کد ترجمه است.

این رعایت خاص شکل کد ترجمه، در دوبلاژ و زیرنویس فیلم ضرورت دارد زیرا ضرورت هماهنگی حرکات لب و اختصار به ترتیب بر ترجمه اثر می‌گذارند. (قس 1975:5 Ludskanov).

۸- تصمیم مترجم نسبت به میزان تحت اللفظی بودن ترجمه: ترجمه تحت اللفظی به مفهوم مطلق عبارتست از (۱) استفاده از کلمه (تکواژ morpheme) به عنوان واحد ترجمه در عین رعایت اجزاء کلام و ترتیب کلمات در متن اصلی (۲) ترجمه معنی اصلی کلمه (تکواژ) و (۳) معادل قرار دادن کلمه (تکواژ) در زبان مقصد به گونه‌ای که معنی اصلی آن بنحو احسن با معنی اصلی کلمه در زبان مبدا تطبیق کند. ترجمه تحت اللفظی معنی متنی و زمینه را نادیده می‌گیرد و صرفاً به معنی به صورت مطلق می‌پردازد. ترجمه تحت اللفظی مطلق (یا کلمه به کلمه) یک متن کامل، اغلب غیرقابل فهم و گمراه کننده است زیرا آن از ابزار زبان مقصد بر حسب زبان مبدا استفاده می‌کند. اما مواردی هست که مترجم ممکن است تصمیم بگیرد عامداً و عالماً این کار را انجام دهد. مثلاً بر حسب مقتضیات آموزش زبان بیگانه، ترجمه متون مذهبی که ممکن است بین سطور بیاید (Reiss and Vermeer 1984:134)، و ترجمه عناوین برای بازشناسی آسانتر آنها، که بر حسب نیازهای نژادی زبانی ethnolinguistic بنا به ضرورت اقدامات قضایی به صورت تحت اللفظی ترجمه می‌شود.

ترجمه تحت اللفظی، نسبی تابع تطابق معنوی است در حالیکه به برابری معانی اصلی واقعی نمی‌گذارد.

از اینرو، تصمیم‌گیری در مورد میزان تحت اللفظی بودن ترجمه - از تحت اللفظی مطلق گرفته تا تحت اللفظی نسبی تا آزاد - را بایستی در زمره عوامل حاکم بر تئوری

عمومی ترجمه دانست.

۹- تصمیم‌گیری در مورد مفاد: اتخاذ موضع (نگرش) کلی نسبت به عملکردهای متن اصلی اغلب برای تعیین ترجمه قابل قبول تکافو نمی‌کند. بعضی اوقات نمی‌توان تمام مفاد مطلوب را طبق موضع کلی وفادارانه انتقال داد، یا زبان مقصد اجازه انتقال مفاد مفروضی را در زمینه خاصی نمی‌دهد. مثلاً اگر مترجم بدلیلی، تصمیم کلی اتخاذ کرده است که نقش دالّی (referential) را حفظ کند، نمی‌تواند وقتی جمله

He took a room on the second floor because he thought that number two is lucky

را از انگلیسی آمریکایی به زبانی ترجمه می‌کند که در آن طبقه بالای همکف طبقه اول محسوب می‌شود، به تصمیم خود باقی باشد. زیرنویسی که طرز محاسبه طبقات را در دیدگاه آمریکائیان توضیح دهد، همیشه کار ساز نیست، مثلاً در مورد نمایشنامه‌ای که برای صحنه ترجمه شده باشد. اینکه کدام مفاد را باید قربانی کرد - طبقه دوم همان طبقه اول روی همکف است با عدد دو شانس می‌آورد - این تصمیم بستگی به عوامل دیگر دارد. اما نکته این است که مترجم باید در این مورد تصمیم بگیرد.

اگر نگرش، نگرشی مصلحت‌گرا باشد مترجم حتی باید بیشتر تصمیم‌گیری کند که چه مفادی را نگاه دارد چه مفادی را حذف نماید و چه مفادی را با مفاد دیگر جایگزین سازد.

این استدلال ما را به مرحله دیگری در ترجمه واقف می‌سازد و آن تصمیم‌گیری در مورد مفاد نامیده می‌شود. چنین تصمیم‌گیری‌ای قدرت یک عامل را دارد در صورتی که تصمیم‌گیری حاصل برخورد بین دو مفاد باشد، که باید یکی از آن دو را حذف کرد، در حالی که عوامل دیگر تأثیری بر تصمیم‌گیری نداشته باشند.

۱۰- تصمیم‌گیری در مورد نحوه انتقال مفاد اصلی: هر جا مسأله‌ای میان چند ابزار جهت انتقال مفادی خاص در میان باشد. مترجم باید تصمیم بگیرد کدام ابزارها را انتخاب کند. حتی وقتی شقی واحد وجود داشته باشد مترجم باید در آن مورد اندیشه کند. این نوع تصمیم‌گیری مثل مورد پیشین، مبتنی بر یک عامل است اگر عوامل دیگر مترجم را به تصمیم‌گیری وادار نکرده باشند، در غیر این صورت مرحله‌ای است در روند ترجمه، مثلاً برای انتقال اصطلاح صربی کرواتى primalac در علم ترجمه به زبان انگلیسی، مترجم باید از میان لغات addressee, receptor, receiver, recipient و audience یکی را برگزیند.

وقتی مترجم مفاد (خصائص) سبکی را انتقال می‌دهد، دو راه در اختیار دارد: تقلید و جایگزینی (Levi, 1992) جایگزینی به مفهوم یافتن سبکی مشابه در زبان و ادبیات مقصد است در صورتی که تقلید صرفاً تکرار ابزار صوری سبک اصلی است. اینکه از دو طریقه انتقال سبک کدام را باید برگزید بیشتر منوط به نوع مخاطب است. ممکن است مخاطب ویژگی‌های سبک اصلی را درک نکند مگر اینکه تغییرات سبکی در ترجمه به عمل آید.

شعر مدرن انگلیسی، بر خلاف شعر روسی دیگر به قافیه واقعی نمی‌نهد. از این رو تقلید از شعر مقفی روسی در زبان انگلیسی ترجمه را بیش از حد تصنعی جلوه می‌دهد حال آنکه در متن اصلی چنین نیست. برای ترجمه بهتر است که از روش قیاس استفاده کرد و برای انتقال همان خصائص سبکی از اکفا assonance و نیم قافیه (قافیه معیوب) half-rhyme استفاده کرد. (Osers 1979: 123)

گاهی خواننده به شکل سبک اصلی علاقه مند است یا قادر به درک آن می‌باشد. در این صورت جایگزین تکافو می‌کند. در آن حالت حفظ قافیه در ترجمه توجیه پذیر است مثلاً در صورتی که خواننده بخواهد با ابزار سبکی شعر مدرن روسی از طریق

ترجمه آگاهی یابد.

۱۱- دانش لازم جهت کدگذاری مجدد: کدگذاری مجدد مستلزم آشنایی زیاد با زبان مقصد، اهلیت تقابلی و اطلاع از فرهنگ مخاطب است. این نوع دانش وقتی به فعل درآید مرحله دیگری در روند ترجمه آغاز می‌شود. آشنائی با زبان مقصد هم شامل اطلاع از نظام زبان می‌شود. آنطور که لغت‌نامه‌ها و کتب دستور توصیف می‌کنند و هم اطلاع از قوانین عملی کاربرد آن می‌شود. برای مترجم اطلاع از زبانهای مبدأ و مقصد کافی نیست. او به اهلیت تقابلی نیازمند است تا بتواند لغات دو زبان را که دارای حداکثر همانندی می‌باشند - معمولاً از نظر معنایی - تطبیق داده و از بهترین ابزار موجود در زبان مقصد، برای بیان همان معنی یا معنی مشابه بهره جوید. بهر حال اطلاع از تطابق معنوی، و در مورد ترجمه تحت‌اللفظی مطلق، تطابق صوری اجتناب‌ناپذیر است و باید در ذهن مترجم ذخیره و درونی شده باشد حتی اگر در دراز مدت مترجم از لغات و نحوی بهره جوید که در دو زبان با هم تطبیق نکنند.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علی علیه السلام:

وَلَا يُدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ

حق جز از راه کوشش بدست نمی‌آید.